

دیباچه‌ای بر

شناخت امام عصر (ارواح‌نقده)



مریم مدرس غروی

دیباچه‌ای بر

ارواحنا فداه
شناخت امام عصر

مریم مدرّس عرو

مدرس غروی ، مریم ، ۱۳۴۹ -
دیباچه‌ای بر شناخت امام عصر ارواحنا فداه /
مریم مدرس غروی . - تهران : مهرآوران ، ۱۳۷۸ .
۶۴ ص .

۲۸۰۰ ریال ISBN 964-90297-9-6

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیها .
کتابنامه بصورت زیرنویس .
۱ - محمدبن حسن (عج) ، امام دوازدهم ، ۲۵۵ ق . -
۲ . مهدویت - - انتظار . ۳ . احادیث شیعه - - قرن
۱۴ . الف . عنوان .

۲۹۷/۳۶۲ BP۲۲۳/۴ / م ۳۶۹

کتابخانه ملی ایران ۱۳۴۳ - ۷۸ م

نام کتاب : دیباچه‌ای بر شناخت امام عصر علیه السلام

مؤلف : مریم مدرس غروی

ناشر : مهرآوران / ۸۰۹۳۰۹۴

حروفچینی : هانیه زهرایی

و صفحه‌آرایی : حجت صالحی آذری

نوبت چاپ : اول / ۱۳۷۸

تیراژ : ۵۰۰۰ جلد

لیتوگرافی : نغمه / ۳۹۱۳۲۵۳

چاپ : ۲۲ بهمن / ۸۹۰۱۳۶۸

طرح جلد : نوید شامیانی

شابک : ۹-۶-۹۰۲۹۷-۹۶۴

قیمت : ۲۸۰۰ ریال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چون صورت بدیعت نقشی به چین نباشد
چون چشم دلفریبت سحری قبین نباشد
اس آفتاب روزی بس پرده روی بنما
تا آسمان نگوید مه در زمین نباشد
صبر از تو نیست ممکن تا هست عشق در ما
این قصه کس نداند تا خود چنین نباشد

تقدیم به پیشگاه:

آفتاب جهانتاب:

ماهتاب درخشان:

سلطان عالم امکان:

صاحب عصر و زمان:

امام انس و جان:

قائم مضطر و مهدی منتظر ارواح العالمین لآب مقدمه الفداء

و به روح پر فتوح جد بزرگوارم،

مرحوم آیه الله میرزا مهدی غروی اصفهانی قدس الله سره

که قطره‌ای از اقیانوس محبت و معرفت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر ما

موهبت فرموده‌اند.

آنچه می‌خوانید:

۷	مولای من!
۹	سر آغاز
۱۱	لزوم حجت در منظر عقل
۱۱	برهان اول: قاعده ممکن اشرف
۱۴	برهان دوم: روح مدبر جهان
۱۶	لزوم حجت در آینه قرآن و روایات
۱۶	یکم: فرمانروایان آفرینش
۱۸	دوم: تنها مصداق «اولی الامر»
۲۳	سوم: دارندگان مقام ولایت و منصب هدایت
۲۴	چهارم: بقاء و امان
۲۶	پنجم: برگزیده خدا در زمین
۳۳	اهمیت شناخت امام عصر ارواحنا فداه
۴۰	جایگاه منکران، فضیلت مؤمنان
۴۵	وجوب اطاعت از آن محبوب دلها
۵۰	راز نیایش منتظران

۵۴	پاره‌ای از حقوق آن عزیز بر شیعیان
۵۴	یکم: حق وجود و هستی
۵۴	دوم: حق بقاء در دنیا
۵۴	سوم: حق قرابت و فویشاوندی
۵۵	چهارم: حق منعم بر متعلم
۵۵	پنجم: حق پدر بر فرزند
۵۶	ششم: حق مولا و هجت الهی بر پیروان
۵۷	هفتم: حق عالم بر متعلم
۵۷	هشتم: حق امام بر رعیت
۵۹	سیمای نورانی آفتاب بی‌همتا

« مولای من! »

کدامین سرو به زیبایی قامت توست و کدامین گل، رایحهٔ
روح بخش نفس‌های تو را در خود دارد، ... کدامین بلبل است که
نغمهٔ شادی بخش ظهورت را می‌سراید و کدامین نسیم است که
عطر زمزمه‌های جان بخش تو را در خود دارد؟

سرو قامتان از نوای رنج و شکنجت خمیدند. گل‌ها را دیگر از
دوری تو بر گلبرگ‌ها طراوت و شادابی نیست. بلبلان از فراق تو
تنها نغمه‌های غم آلود سر می‌دهند و نسیم بامدادی که به هر
کوی و برزن سر می‌کشد، بی‌نصیب از مژدهٔ ظهورت از تلاش
باز می‌ماند.

مولای من! ای فرزند آزادهٔ کنیزان، تا به کی انتظار می‌بری؟
آقای من! غیبت تو آسایش را از من ربوده و خواب و
استراحت را بر من دشوار ساخته است و آرامش دل و اندیشه را
از من ربوده...^(۱)

سرور من! خود، شیعیانت را فرمان دادی تا ظهورت را در دوران غیبت، از خداوند بخواهند.^(۲) و همانند سیره اجداد طاهرینت طریقه این راز و نیاز را نیز تعلیم دادی^(۳) و از همان آغازین لحظه‌های غیبت برای قیام خود از خداوند تحقق وعده ظهورت را خواستی و فرمودی:

اللّٰهُمَّ اَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي^(۴)

خدایا وعده‌ای را که بمن داده‌ای ، تحقق بخش.

مقتدای من! دل‌های سرگشته و حیران ما را در دوران غیبت، چون نوح کشتیبان باش و قطره‌ای از صبر ایوبیت را به ما بنوشان، ما چشم انتظار آن روزی هستیم که تو بیایی و به حکم داود و سلیمان حکم کنی...

با چشمانی دوخته به راهت، دل‌هامان را در چشمه‌سار توبه شستشو می‌دهیم و غنچه انتظار را با زلال اشکمان آبیاری می‌کنم، تا ببینیم آن مبارک روزی را که بر فراز کوه‌ها، خورشید حق طلوع کند و مژده ظهور در سراسر گیتی پراکنده شود.

پی نوشتها

۱- کمال الدین ص ۳۵۳ از فرمایشات امام صادق علیه السلام - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۱۹ .

۲- کمال الدین ص ۴۵۸ .

۳- کمال الدین ص ۵۱۲ الی ۵۱۵ .

۴- کمال الدین ص ۴۴۰ بحار الانوار ج ۹۴ ص ۳۷۸ و ج ۵۲ ص ۳۰ و ج ۱۹ ص ۳۱۷ - حجاب مولانا صاحب

« سر آغاز »

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، از ضروریات مذهب است و روایات بحث مهدویت از طریق شیعه و سنی به حدّ تواتر رسیده است. اعتقاد به ظهور یک مصلح غیبی که در آخر الزمان ظهور کرده و بر جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه دهد، اختصاص به اسلام ندارد؛ بلکه از نظر یهود و مسیحیت نیز قطعی است. جالب تر این که در میان همه طوائف یهود و همه شاخه های مسیحیت این اعتقاد قطعی و مسلم است و در میان فرقه های مختلف یهود و نصاری در این مسأله اختلاف نیست. همه پیامبران و سفیران الهی به عنوان جزئی از رسالت خود به مردم وعده داده اند که در آخر الزمان یک مصلح غیبی ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. آنگاه زمان او را توصیف کرده اند و نشانه هایش را بر شمرده اند. هرگاه پیامبری از این جهان رخت بر بسته، پیامبر دیگری آمده، او نیز چون پیامبر پیشین از ظهور مصلح غیبی در آخر الزمان سخن گفته است.

اینک مشیت الهی بر آن تعلق گرفت که موعود ملتها را دوازدهمین خورشید فروزان از پیشوایان معصوم این امت قرار دهد. از این رهگذر آن مهر تابان و قبله خوبان بیش از هر ملت دیگر با شیعیان مربوط می شود و به همین دلیل آنها بیش از هر آئین دیگر در سنگر دفاع از حریم آن حضرت وفادار مانده اند و تیرهای حوادث را به جان خریده اند.

اما کسانی که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بر شیعه عیب می گیرند، ما بر آنها ایراد نمی گیریم، جز همان ایرادی که بر احبار یهود گرفته می شود که آنها تمام اوصاف حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را در کتابهای خود خوانده بودند و او

را همچون فرزندان خود می‌شناختند و سالها انتظار ظهورش را می‌کشیدند، اما هنگامی که مبعوث شد به او کفر ورزیدند، زیرا از میان عرب برانگیخته شد و آنها آرزو می‌کردند که از میان بنی اسرائیل برانگیخته شود.^(۱)

بیان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، از نشانه‌های نبوت است. چنانچه در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله داریم:

خارج می‌شود در آخر الزمان مردی از اولاد من که هم اسم و هم کنیه من است. زمین را پر از عدل و داد می‌کند آنچنانکه پر از ظلم و ستم شده است و او مهدی است. اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا او را که از اهل بیت من است مبعوث می‌کند و او زمین را پر از عدل و داد می‌نماید.^(۲)

از این رو باید شیعیان را بخاطر استقامت در عقیده و استواری در ایمان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بسیار ستود که در برابر امواج خروشان بی‌دینی و فشار شدید زمامداران کفر، این چنین ثابت و پابرجا بر عقیده خود استوار مانده‌اند. چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله این پایداری را ستوده‌اند.^(۳)

در این نوشته پیرامون شناخت امام عصر علیه السلام و اهمیت معرفت نسبت به ایشان اشارتی داشته، سپس به بیان و بررسی لزوم وجود حجت از دیدگاه عقل و نقل پرداخته، و از مقام معنوی و حقوق آن امام همام یاری خواهیم جست.

پی نوشتها

۱- روزگار رهایی ج ۱ ص ۵۵.

۲- منتخب الاثر صفحات ۲۳۶، ۱۶۲، ۱۵۲، ۲۴۷، بحارالانوار ج ۵۱ ص ۷۴ و ج ۵۲ ص ۱۲۵ و غیبت شیخ طوسی ص ۱۱۲.

۳- وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۶۵ حدیث ۵۱، بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵.

در حدیث مفضلّی ضمن بیان مقام و شخصیت این گروه از امت، فرموده‌اند:

«... آنها به سیاهی بر سفیدی ایمان آورده‌اند.»

یعنی به احادیث رسیده از معصومین علیهم السلام که در کتابهایشان جمع‌آوری کرده‌اند، متمسک شده، ایمان آورده‌اند.

« لزوم حجت در منظر عقل »

برهان اول: قاعده ممکن اشرف

کمالات از مبدأ فیاض به موجودات اخس و پایین تر نمی رسد مگر آن که در رتبه قبل به موجودات اشرف رسیده باشد به عبارت دیگر، هستی، وجود، علم، حیات، قدرت و رحمت و ... از مبدأ فیاض ابتدا به موجود اشرف می رسد و سپس در رتبه بعد به موجود پایین تر، تا برسد به وجود اخس.

این بیان مختصر از قاعده ممکن اشرف، در مورد انسانها بدین گونه مطرح می شود که در انسانها آن کسی که از همه بالاتر است و رتبه بیشتری دارد «انسان کامل» است. او آن کسی است که در تمام مراحل علم و عمل به حد بالایی که برای بشر امکان دارد رسیده باشد. او آن کسی است که دائماً در حال مراقبه خداوند است و لحظه ای از او غافل نمی شود. او دائماً در پیوند و اتصال با حق تعالی است. این انسان کامل، درجه و رتبه وجودیش بالاتر از همه انسانها است و بدین ترتیب اولین موجودی است که لباس وجود و خلعت هستی را می پوشد. او ذاتاً مقدم است و اگر به او فیض نرسد به انسانهای دیگر نیز فیض نخواهد رسید. و اگر به انسان فیض نرسد به حیوانات و نباتات و جمادات که در رتبه های پایین تر هستند نیز، فیض وجود و هستی و ... نخواهد رسید.

در جهان هستی جمادات در پایین‌ترین رتبه قرار دارند و پست‌تر از نباتات می‌باشند. بعنوان مثال می‌بینیم که نبات از جماد بوجود می‌آید. ما زمین ناهموار و پوشیده از سنگ را برای روئیدن نباتات هموار می‌کنیم. سنگها را جدا می‌کنیم، آب را فدا می‌کنیم تا گیاهی برویانیم. بعد از گیاه رتبه حیوانات است. ما با زحمات فراوان نبات را برای حیوان پرورش می‌دهیم، زمین را سبز می‌کنیم، آب و کود می‌دهیم بذر می‌افشانیم و یونجه به عمل می‌آوریم تا گاو و گوسفند از آن تغذیه کنند. نبات را فدای حیوان می‌کنیم.

در مورد انسان نیز همین طور است. گاو و گوسفند را نگه می‌داریم و آنها را فدای انسانها می‌کنیم. در مورد انسانها نیز همین طور است. انسانها همه به ظاهر صحبت می‌کنند، می‌شنوند و می‌بینند، اما بین آنها از زمین تا آسمان تفاوت هست. یک دسته از انسانها دارای فضائل نفسانی، قداست معنوی، قدرت نفسی، علم و فضیلت و ... هستند. انسانها مانند معادن طلا و نقره می‌باشند. معادن همه صورتی مشابه دارند، همه در دل کوه و خاک هستند، اما وقتی دل زمین را می‌شکافی و بیرون می‌آوری، یکی زمرد می‌شود و یکی یاقوت، یکی فیروزه و دیگری مهره‌ای بی‌ارزش. در میان انسانها هم بوعلی سینا را داریم که دارای بسیاری از علوم و فنون است و هم یک مرد عادی و بی‌سواد را ملاحظه می‌کنیم، بنابراین همان طور که حیوانات نسبت به انسانها درجه پست‌تری دارند، انسانها نیز نسبت به هم درجه دانی و عالی دارند. انسانهای عالی هستند که ابتدا نور هستی را از آفتاب الوهیت می‌گیرند و سپس به رتبه بعد منتقل می‌کنند. نور هستی و وجود ابتدا بر انسان کامل و اشرف ممکنات می‌تابد و او نور هستی و علم و قدرت و ... را می‌گیرد و سپس از انسان کامل به دیگران، بهمین ترتیب این نور جریان می‌یابد.

این قاعده در عالم ماده و از نظر علم فیزیک نیز صدق می‌کند. چراغی که روشن است و می‌تابد، ابتدا ذرات اطراف خود و محیط نزدیک به خود را روشن می‌کند سپس این ذرات نورانی در اثر جنبش مولکولی حرکت کرده به یکدیگر برخورد نموده و نور را به ذرات دورتر و محیط دورتر می‌رسانند. بخاری که روشن است و حرارت و گرمی دارد، ابتدا محیط و فضای اطراف خود را گرم می‌کند و سپس در اثر حرکت، حرارت را به ذرات مجاور منتقل می‌کند. سنگی که داخل آب انداخته می‌شود، ابتدا دور خود دایره و موج ایجاد می‌کند و بعد دورتر و دورتر، دایره‌ها بزرگتر می‌شوند و همین‌طور تا آن‌جا که نیروی دست و ضربت ما اقتضاء می‌کند این جنبش منتقل می‌شود.

بنابراین فیوضات ابتدا به اشرف ممکنات می‌رسد و سپس از اشرف به شریف و از شریف به پست و خسیس. هر رتبه‌ای که به خداوند نزدیک‌تر است او واسطه فیض است برای مراتب پایین‌تر. بنابراین طبق قاعده عقلی که گفتیم؛ انسان پست‌تر را فدای انسان کامل می‌کنیم؛ در قوس صعود، جمادات از همه پایین‌ترند، نبات از آن شریف‌تر است و حیوان از نبات شریف‌تر و انسان نسبت به حیوان رتبه برتری دارد و انسان کامل از همه شریف‌تر است و در رأس قرار دارد. او به مقام قدس الوهیت نزدیک‌تر است و در درجه اول اوست که لباس و خلعت هستی را می‌پوشد. در رتبه دوم انسان و در مراتب بعد حیوان، نبات و جماد. اگر به انسان کامل فیض حیات نرسد به سایر انسان‌ها نخواهد رسید و حیوان و نبات و جماد نیز بهره‌ای از حیات نخواهند برد. اگر می‌بینیم حیوان در عالم هست و لباس وجود پوشیده است مشخص می‌شود که در رتبه قبل، انسان لباس هستی را بر تن کرده است و فیض هستی از انسان کامل به سایر انسان‌ها رسیده است.

بنابراین اگر ما دیدیم انسان هست مسلم باید بدانیم که انسان کامل نیز هست؛ چون او واسطه فیض است؛ و آن انسان کامل همان حجت خداوند در روی زمین است.

برهان دوم: روح مدبر جهان

خداوند متعال مخلوقات گوناگونی آفریده است. به موجودات مختلف اعم از مورچه، حشرات، جانوران میکروسکوپی، گیاهان، حیوانات و ... جان داده و درون آنها روح مدبری قرار داده است که توسط آن به زندگی خود ادامه می‌دهند. بعنوان مثال خداوند به آن مورچه کوچکی که معلوم نیست تمام عمرش به ۲ سال برسد، جان و روح مدبری داده است. مورچه برای تهیه آذوقه خود با تلاش فراوان و حرص شدید گندمها را جمع آوری نموده و نصف می‌کند، تا بر اثر رطوبت زمین سبز نشود. سپس آنها را به سیلویی که در خانه‌اش ساخته و زیر و رویش خالی است می‌برد. سیلویش هواکش دارد تا رطوبت آن را نگیرد. این مورچه با آن کوچکی، روح مدبر با شعوری دارد که بدنش را حرکت می‌دهد و زندگی را اداره می‌کند. حال چگونه می‌شود این عالم به این عظمت، این زمین به این بزرگی، این سیارات (زهره، عطارد و مشتری و ...) دارای روح مدبر نباشند؟!

البته خداوند بر هر کاری قادر است ولی امور را روی حکمت نهانی که دارد با یک روش و اسلوب معینی انجام می‌دهد. بعنوان مثال خداوند می‌تواند من را دفعتاً بیافریند. ولی من را از طریق پدر و مادر ایجاد می‌کند. بدن من را نشو و نما می‌دهد و به حرکت می‌آورد و این کار را از طریق روح من انجام می‌دهد به من روح مدبر می‌دهد؛ فهم و عقل و شعور می‌دهد؛ روحم را تقویت می‌کند تا بدنم را حرکت دهد و روح من (به حول و قوه خداوند و به اذن او)، بدنم را حرکت می‌دهد.

آن وقت این عالم بزرگ، این سیارات و نیرات را بدون روح خلق کرده است؟! این عالم نیز روح دارد و آن «حجّة الله» است. تا زمانی که پیغمبر در دنیا بود روح این عالم و آن که تمام جنبش ها و جوشش ها به دست او بود پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود و زمانی که ایشان از دنیا رفتند آن «حجة الله» باید باشد. آن که محرک آسمان و زمین و مدبر آن به اذن خداوند سبحان است باید باشد و تا قیام قیامت خواهد بود و زمین از او خالی نخواهد شد.

آن روح مدبر بعد از پیامبر، فرزندان ایشان می باشند و هم اکنون آن روح مدبر و آن حجّت الهی دوازدهمین آنها یعنی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است. اگر آسمان و زمین لحظه‌ای از حجّت الهی خالی باشد زمین و زمان از هم می پاشد. (روایت بسیاری در این زمینه هست که در دلایل نقلی آمده است).

بنابراین خدایی که به تمام جانوران اعم از حشرات و حیوانات و گیاهان و خلاصه این آفرینش بزرگ روح مدبر داده است ما را نیز بدون روح مدبر و حجّت، رها نکرده است.

روح مدبر این عالم کبیر، وجود مقدّس حجّت خداست و آن حجّت امروز، وجود مبارک فرزند امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام یعنی «حضرت بقیّة الله» - ارواحنا فداه - است که قرآن کریم از آن وجود شریف چنین تعبیر می فرماید:

«بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^(۱)

برگزیده خداوند برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.

پی نوشتها

« لزوم حجّت در آینه قرآن و روایات »

در این مقام از تحقیق، لزوم شناخت حجت الهی بویژه حجّت این زمان امام عصر ارواحنا فداه را در آینه قرآن و روایات پی می‌گیریم و در عناوینی که می‌آید ویژگی‌های ایشان را می‌نگریم:

یکم: فرمانروایان آفرینش:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي
الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ الْإِبَازِنِهِ
إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوْفٌ رَحِيمٌ^(۱)

ندیدی که خداوند هر چه را در زمین است مسخر شما گردانید
و کشتی را که به فرمان او در دریا سیر می‌کند و آسمان را که
اذن و اجازه او نگه داشته تا بر زمین نیفتد، همانا خداوند بر
انسانها، رؤف و مهربان است.

همه چیز در زمین به وجود ائمه مسخر گشته و آسمان و زمین بوجود آنان
نگه داشته شده‌اند و آنان هستند که سبب بقاء و امان زمین و آسمان و سبب نزول
برکات هستند.

حضرت زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«ما پیشوایان مسلمانان و حجت‌های خدا بر جهانیان هستیم. ماییم سرور مؤمنان و پیشوای روسفیدان سفید چهره و اولیٰ به تصرف مؤمنان. ما برای مردم روی زمین امان هستیم همان گونه که ستارگان امان برای اهل آسمانهایند، و ما آن کسانی هستیم که به سبب ما خداوند آسمان را از فرود آمدن بر زمین نگه میدارد و زمین را از این که اهلش را بلرزاند حفظ می‌کند و بوسیله ما باران فرود می‌آید و رحمت و برکات زمین پخش شده و بیرون آورده می‌شود. اگر کسی از ما در زمین نباشد زمین اهلش را فرو می‌برد و خداوند از هنگام آفرینش آدم علیه السلام زمین را از حجت خالی نگذاشته، بصورت آشکار شناخته شده، یا پنهان پوشیده؛ و زمین از حجت خالی نمی‌ماند تا آن که قیامت بر پا شود، و اگر حجت خداوند نباشد خداوند پرستیده نمی‌شود.»

سائل می‌پرسد: پس چگونه مردمان از حجت پنهان و پوشیده بهره‌مند

می‌شوند؟ حضرت می‌فرماید:

همان گونه که از خورشید پشت ابر بهره می‌برند.^(۲)

دوم: تنها مصادیق «اولی الامر»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى
الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ
إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ
تَأْوِيلًا. (۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید از خدا و رسول و
اولی الامر و چون در چیزی از امور دینی منازعه کنید پس
آن را بازگردانید به کتاب خدا و فرمایش رسول اگر به خدا و
روز قیامت ایمان دارید، که این کار برای شما از هر چه تصور
کنید بهتر و خوش عاقبت‌تر خواهد بود.

در تفسیر اثنی عشری آمده است که: از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر
صادق علیه السلام روایت شده است که منظور از اولی الامر، ائمه معصومین علیهم السلام
می‌باشند از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم که اطاعت ایشان بر همه بندگان واجب است،
همچنان که اطاعت خدا و رسول او واجب است و خداوند اطاعت کسی را واجب
نمی‌گرداند مگر آن که به او عصمت عطا کند و ظاهر و باطن او از امر اشتباهی
مصون باشد. این صفت بر غیر ائمه نیست چون خداوند اطاعت اولی الامر را با
اطاعت خود و رسولش مقارن ساخته است و هم چنان که حکم خود و حکم رسول
را فوق بر سایر بندگان گردانیده، حکم اولی الامر را نیز فوق آنها گردانیده است و
مسلم است که تساوی بین اولی الامر و خدا و رسول در این امر بدون عصمت قابل
تصور نیست زیرا حکم غیر معصوم در معرض خطا و اشتباه است و لکن حکم خدا
و رسول، خطا پذیر نیست. بنابراین ولایت صفت ائمه هدی است از آل
محمد صلی الله علیه و آله و سلم که امامت و عصمت ایشان ثابت است.

لزوم حجّت در آینه قرآن و روایات / ۱۹

روایتی است بسیار مشهور که از موافقین و مخالفین به حدّ تواتر از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که گفت:

از پیغمبر پرسیدم: من خدا و رسول او را می‌شناسم، اما اولی الامر را نمی‌شناسم. حضرت فرمودند:

ای جابر، ایشان جانشینان من و امامان مسلمین بعد از من می‌باشند. اول ایشان علی بن ابی طالب علیه السلام است بعد از او حسن بن علی علیه السلام بعد از او حسین بن علی علیه السلام و سپس محمد بن علی علیه السلام که او در تورات معروف به «باقر» است و تو او را می‌بینی. ای جابر؛ چون او را دیدی سلام من را به او برسان.

و بعد حضرت یک یک ائمه را نام برد تا آن که چون به «حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه» رسید فرمود:

نام او نام من و کنیه او کنیه من است. او حجّت خدا و یادگار او در میان خلق است. خداوند مشارق و مغارب را بدست او می‌گشاید و او از مردم غائب می‌شود بطوری که بعثت طول مدت هیچکس تصدیق به وجود او نمی‌کند مگر مؤمنی که حق تعالی قلب او را به ایمان امتحان کرده باشد.

پرسیدم: چگونه شیعه در عصر غیبت از او نفع می‌برد؟ حضرت فرمودند:

مانند نفع بردن مردم از آفتاب هنگامی که ابر میان آفتاب و مردم حائل شود. ای جابر این از مکنون سر خدا و مخزون علم اوست. این سخن را از من نگهدار و به هیچکس مرسان مگر کسانی که از اهل ایمان باشند.^(۴)

در روایت دیگری از امام محمد باقر علیه السلام آمده است که:

خداوند تبارک و تعالی عذاب را از اهل زمین بر می‌دارد به سبب پیامبر یا امامی که در میان خلق است. ستارگان، امان و پناه اهل آسمان می‌باشند و اهل بیت حضرت رسول صلی الله علیه و آله امان و پناه اهل زمین هستند. هنگامی که ستارگان رفتند اهل آسمان ناخوش می‌شوند و هنگامی که اهل بیت پیامبر از زمین بروند، اهل زمین ناخوش می‌گردند.

و منظور از اهل بیت، امامانی هستند که خداوند متعال اطاعت ایشان را با اطاعت خویش هم‌ردیف کرده است و فرموده است: ای کسانی که ایمان آوردید اطاعت کنید خدا و رسول و اولی الامر از خودتان را، که ایشان پاکان و معصومان و تأیید شدگان از سوی خداوند هستند و آنها پند توفیق یافتگان و استوار شدگان. خداوند بوسیله ایشان بندگان را روزی می‌دهد و بوسیله آنها شهرها و آبادی‌ها را آباد می‌سازد و بخاطر ایشان قطرات باران از آسمان فرود می‌آید و برکات زمین بیرون آورده می‌شود. و زمین بخاطر ایشان نگهداشته شده و خداوند به کیفر و عذاب گناهکاران شتاب نمی‌کند. قرآن از آنها و آنها از قرآن جدا نمی‌شوند،

صلوات و رحمت خداوند بر همه ایشان باد.^(۵)

بنابراین معلوم شد که اولی الامر امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد معصومین او که آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام است، می‌باشند. بنابراین جز آنان کسی مصداق آیه شریفه قرآن نیست و قابلیت منصب امامت و خلافت را ندارد زیرا معصوم نیستند و بهمین خاطر خطا و سهو نسیان از آنها صادر می‌شود و اعتماد و اعتباری به گفته‌ها و اعمالشان نیست. بنابراین کسی غیر از ائمه اثنی عشر علیهم السلام واجد مرتبه عصمت و مقام ولایت نیستند و چون حکم ائمه معصومین عین حکم خداوند و رسول اوست بهمین عنت بعد از رجوع به خدا و رسول خدا در منازعات می‌فرماید:

«فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ».

پس اگر خلاف و منازعه کنید در چیزی از امور دینی؛

«فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ»

پس آن را بازگردانید به کتاب خدا و فرمایش رسول او در زمان حیاتش، پس از رحلت آن حضرت به جانشینان مطهر ایشان که ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند.

«إِنْ كُنْتُمْ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»

اگر شما از روی اخلاص، به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اید، چه آن که ایمان به خدا و رسول موجب آن است که به حکم ایشان رجوع کنید و این رجوع بهتر و نیکوتر برای شماست.

خداوند متعال، امامان را در نسل امام حسین علیه السلام قرار داده و از صلب آن حضرت نه نفر از ائمه خارج می‌شوند که یکی از ایشان مهدی این امت است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

اگر کسی بین رکن و مقام سعی کند آنگاه بمیرد در حالی که

اهل بیت من را دشمن داشته باشد، به آتش افکنده

می‌شود. (۶)

از این جا معلوم می‌شود که حضرت ولی عصر علیه السلام دارای چه مقام و عظمتی هستند که عبادت بی‌ولاء و مهر ایشان ذره‌ای ارزش ندارد و هر که معرفت و محبت و ولایت آن حضرت را نداشته باشد، قطعاً به مرگ جاهلیت مرده و گرفتار آتش جهنم است.

در زیارت امام زمان علیه السلام می‌خوانیم:

«گواهی می‌دهم بدرستی که به واسطه ولایت شما، اعمال بندگان مورد پذیرش قرار می‌گیرد و رفتار و کردار خلق، تزکیه و پاک می‌گردد و کارهای نیک چندین برابر می‌شود و گناهان آمرزیده و محو می‌گردد. پس هر که با ولایت و محبت شما و با اعتراف و ایمان به امامت شما، محشور گردد، عبادات و اعمالش پذیرفته گردد و گفتارش مورد تصدیق قرار گیرد و کارهای نیکش چندین برابر گردد و گناهانش بخشیده شود و هر که از ولایت و امامت شما برگردد و نسبت به معرفت و مقامتان، جاهل باشد و شما را نشناسد و غیر شما را بجای تان گزیند، خداوند او را با صورت در آتش دوزخ افکند و هیچ عملی را از او نپذیرد و در میزان روز قیامت، اعمالش را وزنی نباشد. یعنی بی‌حساب و کتاب به جهنم خواهد رفت».^(۷)

سوم: دارندگان مقام ولایت و منصب هدایت

انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون
الصَّلوة و يؤتون الزكوة و هم راعون.^(۸)

ولی امر و یاور شما تنها خدا و رسول و آن مؤمنانی هستند
که نماز پیاداشته و به فقیران در حال رکوع زکات می‌دهند.
و يقول الذين كفروا لو لا أنزل عليه آية من ربه انما أنت
مُنذِر و لكل قوم هاد.^(۹)

و باز به طعنه می‌گویند که چرا خدا بر او آیت و معجزه‌ای
نفرستاد تنها وظیفه تو اندرز و ترسانیدن خلق است و هر
قومی را از طرف خدا راهنمایی است.

به تصریح تفاسیر معتبر و احادیث متواتر، منظور از این دارندگان مقام ولایت
و واجدان منصب هدایت، بعد از حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام
هستند که پیامبر گرامی اسلام بجهت حساسیت و اهمیت این فراز، از روزهای
نخست رسالت و در امتداد و پایان آن، بارها با نام و نشان از ایشان یاد فرموده‌اند.
چرا که از ابتدای دنیا تا انقراض عالم باید حجّت روی زمین باشد. حضرت
علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند:

لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمِ اللَّهِ بِحُجَّتِهِ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا أَوْ
خَائِفًا مَغْمُورًا لئَلَّا تُبْطَلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتِهِ.^(۱۰)

زمین هرگز از حجّت خالی نخواهد بود که یا ظاهر و آشکار و یا
خائف نماند خواهد بود، تا حجّتها و بیّنات حضرت پروردگار
باطل نشود.

چهارم: بقاء و امان

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا. (۱۱)

محققاً خداوند آسمانها و زمین را از این که نابود شوند نگاه می‌دارد و اگر رو به زوال نهند، گذشته از او هیچ کس آنها را محفوظ نتواند داشت که خداوند بسیار بردبار و آمرزنده است.

خداوند به برکت وجود ائمه علیهم‌السلام همگان را آفریده و اگر حجت‌های الهی نبودند نه زمین وجود داشت و نه فلک و نه تمام خلائق. ائمه حجت‌های خداوند در روی زمین و سبب بقاء و امان هستند و اگر زمین از آنها خالی شود، زمین ساکنان خود را در کامش فرو خواهد برد.

حضرت رضا علیه‌السلام در ذیل این آیه می‌فرماید:

نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ خُلْفَاؤُهُ وَ أُمْنَاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ وَ نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَةُ الْوَثْقَى وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْلَامُهُ فِي بَرِيَّتِهِ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ بِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ لَا تَخْلُوا الْإَرْضَ مِنْ قَائِمٍ مَنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ وَ لَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَّا جَتَّ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. (۱۲)

ما حجت‌های خداوند در خلق هستیم و جانشینان در بندگانش و امین او بر رازها و اسرار خدا و ما کلمه تقوی و دستگیره مطمئن هستیم و ماییم گواهان خدا و نشانه‌های او در خلقش، به ما خداوند آسمانها و زمین را از این که زائل

لزوم حجّت در آینه قرآن و روایات / ۲۵

شود حفظ می‌کند و به ما باران نازل و رحمت خدا پراکنده می‌شود و زمین از بر پا دارنده‌ای از ما خالی نشود چه ظاهر باشد یا خائف و ترسان و اگر زمین روزی از حجّت خالی شود زمین و اهلیش مضطرب شود هم چنانکه دریا و اهلیش مضطرب گردند.

خداوند زمین را از قیام کننده‌ای که حجّت الهی است خالی نمی‌گذارد، بصورت آشکار و شناخته شده و یا بصورتی پنهان و ناشناخته، تا حجّت‌های الهی و دلایل روشنش تعطیل نشود.
امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«به خدا سوگند از زمانی که خدا آدم را قبض روح نمود زمین را بدون امامی که بوسیله او به سوی خدا رهبری شوند و نمی‌گذارد و او حجّت خدا بر بندگانش است و زمینی بدون امامی که حجّت خدا باشد بر بندگانش وجود ندارد.»^(۱۳)

امام زمان و پدران بزرگوارشان در رساندن فیض الهی به سایر مخلوقات واسطه هستند.

همان‌طور که در قسمت دلایل عقلی گفتیم؛ آنها اشرف ممکنات و بهترین خلائق هستند و آنها واسطه فیض خداوند بر سایر مخلوقات می‌باشند.
در دعای ندبه می‌خوانیم:

أَيُّنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.

کجاست آن وسیله‌ای که فیوضات آسمان را به اهل زمین می‌رساند.

پنجم: برگزیده خدا در زمین

بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۴)

برگزیده خداوند برای شما بهتر است اگر شما مؤمن هستید.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

این نام را خداوند مخصوص حضرت ساخته است و زمانی که

می خواهید به او سلام کنید؛ بگویید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بَقِيَّةَ اللَّهِ» و سپس آیه را قرائت فرمودند. (۱۵)

تأویل این آیه در مورد حضرت حجت صلوات الله و سلامه علیه می باشد. در

کتاب کمال الدین صدوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که:

اولین نطقی که حضرت حجت بعد از ظهورشان می فرمایند،

این آیه شریفه می باشد:

«بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

بعد از تلاوت این آیه می فرمایند: منم بقية الله و حجت خدا

و خلیفه او بر شما.

پس سلام کنید بر آن حضرت و بگویید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»

آیا من بر شما نگهبان نیستم؛ که شما را به جبر از زشتی ها

باز دارم یا از عذاب محافظت کنم و یا این که نعمتها را برای

شما حفظ کنم تا بخاطر فساد شما از بین نرود؟! (۱۶)

پس وجود مبارک آن امام همام است که زمین و زمان را از زوال و نابودی

حفظ می کند و به واسطه وجود ایشان است که ما زنده ایم و روزی داده می شویم.

امام جعفر صادق علیه السلام در باب لزوم حجّت می فرمایند:

لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنَا حِجَّةً فِي أَرْضِهِ وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. ^(۱۷)

اگر زمین از حجّت خالی بماند، ساکنانش را در کام خود فرو می برد، خداوند تبارک و تعالی ما را حجّت خود در روی زمین و وسیله امان در زمین برای اهل زمین قرار داده است.

پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در باب لزوم حجّت در روی زمین می فرماید:

«تا دوازده تن از قریش هستند این دین پا برجاست و هنگامی که زمین از آنها خالی شود، زمین ساکنان خود را در گامش فرو می برد.» ^(۱۸)

اگر انسان کامل که حجّت خداوند در روی زمین است نباشد زمین و آنچه در آن است از هم پاشیده می شود. «انسان کامل» حجّة الله و خلیفة الله است خواه در لباس نبوت باشد یا امامت و وصایت. بنابراین خداوند جهان را بدون حجّت نمی گذارد. بوجود حجّت های خدا آسمان و زمین ثابت است و بواسطه آنهاست که ما روزی داده می شویم. سفره ای که برای مهمان عزیزی می اندازیم و غذاهای رنگارنگ در آن می گذاریم، از تصدق آن مهمان عزیز، دیگران نیز غذایی می خورند. پرندگان و گربه بیرون از خانه هم به نوایی می رسند. حال سفره این عالم که پهن شده، آسمانهای برافراشته، زمین گسترده، نباتات، جمادات و

موجودات عجیب و غریب، این آفتاب تابنده، آن ابر بارنده، این زمین رویاننده و ... را برای این انسان غافل خلق نکرده‌اند، اینها همه برای آن حجة الله آن انسان کامل که در بندگی نیز کامل است، آفریده می‌شود او که خداوند ﷻ را به جمیع صفات جلال و جمال می‌ستاید. او بنده خاص خداست. خدا نیز او را دوست می‌دارد و تمام نعمات را به او می‌دهد. حیات و زندگی ما از تصدق وجود اوست. همان طور که در زیارات جامعه می‌خوانیم:

بقاء اجساد و اجسام و ارواح و قبور نیز بخاطر آن آقاست. این فقرات از زیارات جامعه کبیره بسیار خواندنی است. زیارات جامعه کبیره، زیارتی وارده از معصوم است و تأکید به خواندن آن در همه مشاهد شریفه ائمه علیهم السلام گردیده است. آیاتابه حال به معانی آن توجه کرده‌اید؟

در زیارت این گونه می‌خوانیم:

ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَاءُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ اجْسَادُكُمْ فِي
الْاجْسَادِ وَ ارواحكم في الارواح و أنفسكم في النفوس و
آثاركم في الآثار و قبوركم في القبور.

ذکر شما در ذکر کنندگان است، نامهای شما در ردیف نام‌های
دیگران و پیکرتان در میان سایر پیکرها، ارواح شما در میان
سایر ارواح و نفوس قدسی شما در سایر نفوس و آثار و
قبرهایتان در میان سایر آثار و قبرهاست.

این امری واضح است که قبور ائمه در میان سایر قبور است، آنان نیز مانند
دیگران نام دارند، اما معصومین در ذکر این فقرات از دعا مقصود دیگری
داشته‌اند.

جسم ائمه علیهم السلام روح سایر اجسام است. اجسام ملکوتی آنها تمام اجسام را در خود گرفته است. اگر در دنیا لحظه‌ای «امام» نباشد، همه بدن‌ها از هم فرو می‌پاشد اگر در زمین قبر ولی خدا نباشد همه قبرها متلاشی و نابود می‌شوند. بنابراین بدن آنها حکم روح را دارد برای بدن ما و اجسادشان روح جسدهاست و اسماء مبارکشان روح اسماء است و بطور کل آنها روح این عالم می‌باشند.

نتیجه آن که خداوند مهربانی که به تمام جانوران اعم از حشرات و حیوانات و گیاهان روح مدبر داده به این دنیای بزرگ نیز روح داده است که آن روح، همان حجت خداست.

در باب لزوم حجت یکی از مناظرات هشام بن حکم با عمرو بن عبید بسیار شنیدنی است. عمرو از کسانی است که امامت حضرت صادق علیه السلام را قبول نداشته و منکر ایشان بوده است. روزی هشام بن حکم که از مدافعان و نگهبانان حریم امامت و ولایت بوده است، حضور حضرت شرفیاب می‌شود و به دستور امام صادق علیه السلام گزارش این مباحثه و چگونگی آن را تقدیم می‌دارد.

هشام عرض نمود: شنیده بودم عمرو بن عبید در مسجد بصره درس می‌گوید و مردم به دورش جمع شده از او سؤال می‌کنند و او یکی از کسانی است که امامت شما را قبول ندارد. بهمین جهت به سوی بصره حرکت کردم و او را در مسجد یافتم. گروه زیادی در اطرافش جمع شده بودند و عمرو بن عبید در میان آنها بود. جامه پشمینه سیاهی به کمر بسته و عبایی به دوش انداخته بود و مردم از او سؤال می‌کردند. از مردم راه خواستم و دو زانو نشسته نگاه گفتم:

من مردی غریبم، اجازه می‌دهی از شما سؤالی بکنم؟

عمرو - سؤال کن.

هشام - شما چشم دارید؟

عمرو - پسر جان این چه سؤالی است؛ چیزی را که می بینی چگونه از آن می پرسی؟

هشام - شاید سؤالات من کودکانه باشد، اما شما پاسخ دهید.

عمرو - آری چشم دارم.

هشام - با آن چه کار می کنید؟

عمرو - با آن رنگها و اشخاص را تشخیص می دهم.

هشام - شما بینی دارید؟

عمرو - آری

هشام - با آن چه کار می کنید؟

عمرو - بوسیله آن می بویم.

هشام - دهان دارید؟

عمرو - آری

هشام - با آن چه کار می کنید؟

عمرو - با آن غذا می خورم و مزه ها را می چشم.

هشام - گوش دارید؟

عمرو - آری و با آن صداها را می شنوم.

هشام - دل دارید؟

عمرو - آری

هشام - با آن چه کار می کنید؟

عمرو - با آن هر چه بر اعضاء و حواسم در آید تشخیص می دهم. اگر اعضاء من در

دیدن، بوئیدن و شنیدن مرتکب اشتباهی شوند، دلم این اشتباهات را

گوشزد می کند و درستی یا اشتباه آن حس را تذکر می دهد.

هشام - پس خداوند دل را برای رفع تردید اعضا گذاشته است.

عمرو - آری

هشام - بنابراین دل لازم است و گرنه برای اعضا یقین حاصل نمی شود.

عمرو - آری

هشام - خدای تبارک و تعالی که اعضا تو را بدون امامی که صحیح را تشخیص دهد و تردید را به یقین تبدیل کند، وانگذاشته است آن وقت چگونه این همه مخلوق را در سرگردانی و تردید و اختلاف واگذارد و برای آنها امامی که در تردید و سرگردانی خود به او ارجاع کنند قرار نداده! در صورتی که برای اعضا تو امامی قرار داده که در حیرت و تردید به آن رجوع کنی.

عمرو - تو هشام بن حکمی.

هشام - خیر. چرا چنین سؤال می کنی؟

عمرو - از هم نشین های او هستی؟

هشام - خیر

عمرو - اهل کجایی؟

هشام - کوفه.

عمرو - تو همان هشامی. بیا و جای من بنشین و تو پاسخ سؤالات مردم را بده.

امام صادق علیه السلام - این مطالب را از چه کسی آموختی؟

هشام - آنچه از شما شنیده بودم منظم کردم.

حضرت - بخدا قسم این مطالب در کتاب آسمانی حضرت ابراهیم و موسی است. (۱۹)

بنابراین خداوند حکیم، این عالم را لحظه ای بدون امام نمی گذارد. خداوند تمام خلائق را به برکت وجود ائمه آفریده و آنها واسطه فیض خداوند می باشند و به وجود آنان است که زمین و افلاک و هر چه در آنان است ثابت و پایدارند و خلاصه ما ریزه خور خوان آنها هستیم.

پی نوشتها

- ۱- سورة حج / ۶۵
- ۲- کمال الدین ج ۱ ص ۲۰۷، معجم احادیث المهدي ج ۵ ص ۲۷۰، بحار الانوار ج ۲۳ ص ۵، احتجاج ص ۳۱۷، امالی صدوق ص ۱۵۶.
- ۳- سورة نساء / ۵۹.
- ۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۹۳ و ۹۲، منتخب الاثر ص ۲۷۱.
- ۵- معجم احادیث المهدي عليه السلام ج ۵ ص ۷۳ - ۷۴، علل الشرايع ص ۱۲۳، برهان ج ۱ ص ۳۸۳، نورالتقلین ج ۱ ص ۵۰۱، بحار الانوار ج ۲۳ ص ۱۹.
- ۶- تفسیر برهان؛ سید هاشم حسینی بحرانی؛ ج ۴ ص ۱۴۰ ذیل آیه ۲۸ سورة زخرف.
- ۷- مفاتیح الجنان (دومین زیارت از زیارات حضرت صاحب الامر عليه السلام)
- ۸- سورة مائده / ۵۵.
- ۹- سورة رعد / ۷.
- ۱۰- بحار الانوار ج ۲۳ ص ۴۶ و ج ۲۷ ص ۲۷ و ج ۵۲ ص ۹۲، غیبت شیخ طوسی ص ۱۳۲، منتخب الاثر ص ۲۷۰، غیبت نعمانی ص ۷.
- ۱۱- سورة فاطر / ۴۱.
- ۱۲- معجم احادیث المهدي عليه السلام ج ۵ ص ۳۶۵، کمال الدین ج ۱ ص ۲۰۲، صافی ج ۴ ص ۲۴۳ و بحار الانوار ج ۲۳ ص ۲۵.
- ۱۳- اصول کافی، اسحاق کلینی رازی، ترجمه سید جواد مصطفوی ج ۱ ص ۲۵۲.
- ۱۴- سورة هود / ۸۶.
- ۱۵- بحار الانوار ج ۲۴ ص ۲۱۱، وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۴۷۰، معجم احادیث المهدي ج ۵ ص ۱۷۷ و کافی ج ۱ ص ۴۱۱.
- ۱۶- تفسیر اثنی عشری، مؤلف حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی ج ۶ ص ۱۲۱ س ۸.
- ۱۷- غیبت نعمانی ص ۶۹، اصول کافی ج ۱ ص ۷۹، غیبت شیخ طوسی ص ۱۳۲.
- ۱۸- الزام الناصب ص ۷۸.
- ۱۹- اصول کافی، یعقوب کلینی رازی، ترجمه سید جواد مصطفوی ج ۱ ص ۲۳۸ و بحار الانوار ج ۲۳ ص ۷ و ۸.

« اهمیت شناخت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه »

موعود آخر زمان و آن حجت و بقیه الله که در تمام ادیان و کتب آسمانی به آن نوید داده شده است در زندگی ما چه اثری دارد و لزوم معرفت و شناخت آن حضرت چیست و اساساً معرفت نسبت به آن حضرت چگونه است؟
قرآن کریم در این ارتباط می‌فرماید:

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِامامهم فَمَنْ اوتى كتابه بيمينه

فاولئك يقرئون كتابهم و لا يظلمون فتيلا. (۱)

به یاد آر روزی را که هر جمعیتی به امامشان خوانده می‌شوند پس هر کس نامه عملش را به دست راست دهند آنها نامه خود را قرائت کنند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

آن روزی را که خداوند وعده داده و وقوعش حتمی است و در آن روز انسانها با پیشوایان معرفی می‌شوند. حال در آن روز محشر چه کسی به من کمک خواهد کرد و چه کسی می‌تواند مشکلات من را حل نماید؟! بنابراین نقش شناخت امام نقشی تعیین کننده و هدفدار است.

روایتی است که از شیعه و سنی به حدّ تواتر نقل شده و عبارت است از:

کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد مرگ او، مرگ جاهلیت است و مرگ جاهلیت نیست الا مرگ در حالت کفر و گمراهی. (۲)

زمین از حجت خدا بر خلقش تا روز قیامت خالی نمی‌شود و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد مرگ او مرگ در کفر و جاهلیت و ضلالت است. فضیل بن یسار می‌گوید؛ از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند که می‌فرماید: «روزی که هر دسته از مردم را به امامشان می‌خوانیم.» پرسیدم، حضرت فرمودند:

ای فضیل! تو امامت را بشناس زیرا هرگاه امامت را شناختی تقدّم یا تأخّر این امر به تو زیان نمی‌رساند. کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر بمیرد، مانند کسی است که در لشکر آن حضرت بوده‌است، نه، بلکه مانند کسی که زیر پرچم آن حضرت نشسته باشد. در این جا یکی از اصحابش گفت مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شهید شده باشد. (۳)

بنابراین شناخت امام امری ضروری و واجب است و زمانی که امام را بشناسیم تقدّم یا تأخّر ظهور دولت حقّه او در امر ولایت و هدایت ما زبانی وارد نمی‌کند و ضرر و زیان برای کسی است که امامش را نشناسد.

روزی ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام می‌پرسد، فرج و گشایش چه هنگامی

است؟

حضرت می‌فرمایند: ای ابا بصیر! تو هم از جمله دنیا خواهانی؟ کسی که این امر را بشناسد، برای او بواسطه انتظارش فرج حاصل شده است. باز روزی از حضرت می‌پرسد: شما عقیده دارید که من حضرت قائم علیه السلام را درک می‌کنم؟ حضرت می‌فرماید: مگر نه این است که تو امامت را می‌شناسی و ابو بصیر می‌گوید: چرا، به خدا شما امام من هستید؛ دست حضرت را می‌گیرد، سپس حضرت می‌فرمایند: ای ابا بصیر! بخدا از این که در سایه خیمه قائم به شمشیرت تکیه نکرده‌ای باک نداشته باش چون ثواب چنان کسی برای تو هست. (۴)

بنابراین در هر زمانی امامی معصوم، قائم است که باید او را شناخته و از او پیروی کرد و گفتیم کسی که عارف به حق امامش باشد تقدم و تأخر این امر برای او زیانی نداشته و ضرر برای کسی است که در شناخت حضرت کوتاهی کند.

گمراهی از امامت برابر با گمراهی در تمامی مبانی دین است.

مؤمن کسی است که خدا و رسول و تمامی امامان را بشناسد و کارها را به امام زمان خود ارجاع دهد و در کارها و تمامی امور تسلیم او باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«خداوند خودداری فرموده از این که کارها را بدون اسباب

فراهم آورد. پس برای هر چیزی سبب و وسیله‌ای قرار داده

و برای هر سببی شرح و گشایشی مقرر داشته است و برای

هر شرحی نشانه‌ای و علمی و برای علم خود دربی گویا نهاده

است و عارف حقیقی کسی است که این درب را شناخته و

نادان واقعی کسی است که به این درب نادان گردد و این

درب گویا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام می‌باشند.» (۵)

پس بر هر انسان مؤمنی واجب و لازم است که آن دربهای ناطق را - که باید امور زندگی را به آنها واگذار نموده و تسلیم شد - شناسایی نماید.

شناخت ائمه معصومین و از جمله حضرت مهدی علیه السلام هم سنگ معرفت و شناخت خداوند می باشد؛ یعنی کسی خدا را می پرستد که او را بشناسد و معرفت نسبت به خالق خود داشته باشد و کسی که خداوند را نشناسد و او را عبادت کند، پرستش و عبادت او گمراهانه است. و اما معرفت و شناخت خداوند چیست؟ همانا معرفت نسبت به خداوند ﷻ باور داشتن خدا و رسول اکرم ﷺ و دوست داشتن حضرت علی علیه السلام و ائمه هدی و پیروی از آنان و ارجاع و تسلیم امور به آنان می باشد.

شخصی نزد حضرت صادق علیه السلام رفته و از ایشان می خواهد تا حدیثی از آنچه ثابت است و پایه و ستونهای اسلام بر آن است برایش بگوید تا هرگاه به آن عمل می کند، عملش پاک شود؛ حضرت می فرمایند: شهادت و گواهی بر این که خدایی جز الله نیست و این که حضرت محمد ﷺ فرستاده اوست و اقرار به این که آنچه ایشان آورده اند از نزد خداوند است و اقرار به ولایت ائمه علیهم السلام هر کس بمیرد در حالی که امام خود را نشناخته باشد مردن او مرگ جاهلیت است.

خداوند می فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

اطاعت کنید خدا و رسول و اولی الامر را.

پس آن اولی الامر حضرت علی علیه السلام است و پس از او حسن علیه السلام و سپس حسین علیه السلام و بعد از او علی بن الحسین علیه السلام و بعد محمد بن علی علیه السلام و ... (۶)

و زمین اصلاح نمی شود مگر بوسیله امام که هم اکنون آن ولی امر وجود مقدس صاحب الزمان حضرت مهدی علیه السلام است.

گمراه و زیانکار کسی است که در امر دین خود بجای این که امام و پیشوایی داشته باشد به رأی و نظرات شخصی در امورش بپردازد.

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ. (۷)

گمراه تر از آن که هوس خویش را بدون هدایت خداوند

پیروی کند، کیست؟

امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

«گمراه آن کسی است که رأیش، دینش باشد بدون امامی

از ائمه هدی». (۸)

یعنی امامی را که خداوند رهبر و هادی او قرار داده رها کند و طبق رأی و سلیقه خویش برای خود امامی تعیین کند و در اصول و فروع دین به قیاس و استحسان و نظرات شخصی خود اکتفا کند.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«خدای تبارک و تعالی فرموده است: هر آینه عذاب می کنم

هر رعیتی را که در اسلام با پیروی از امام ستمگری که از

جانب خدا نیست دینداری کند، اگر چه آن رعیت نسبت به

اعمال خود نیکوکار و پرهیزگار باشد و هر آینه در می گذرم از

هر رعیتی که در اسلام با پیروی از امام عادل از جانب

خداوند دینداری کند، اگر چه آن رعیت نسبت به خود ستمگر

و بدکار باشد». (۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ

لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ. (۱۰)

ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید (صبر کنید بر گناه نکردن و انجام واجبات) و شکیبایی بورزید (در مقابل دشمنانتان) و مرزبانی کنید (پیوند و رابطه داشته باشید با امامتان)

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«صبر کنید بر انجام واجبات و شکیبایی بورزید در مقابل دشمنانتان و از سنگر امام منتظران مرزبانی کنید».^(۱۱)

اما آنچه در مسیر کسب معرفت آن امام همام، بطور اجمال باید بدانیم: «بررسی معجزات و خصوصیات آن حضرت، مطالعه اخبار امامان پیشین در مورد او و ویژگی های ایشان و آنچه در زمان غیبت بر بندگان واجب است و ... که بر همه لازم است تا در تحصیل معرفت آن حضرت سعی کنند و از طرفی چون معرفت از ساخته های خداوند متعال است، دعا نیز بکنند و معرفت نسبت به حضرت را از درگاه خداوند متعال مسألت نمایند که آنچه خداوند از درهای رحمت خویش بر بندگان بگشاید هیچ کس نمی تواند آن را ببندد و هر آنچه او ببندد، هیچ کس را یارای گشودنش نیست».^(۱۲)

و لذاست شیعه وظیفه دارد چنین بخواهد:

اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرَفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.^(۱۳)

بار خدایا تو مرا به خودت شناسا کن که اگر خودت را به من
نشناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت، بار خدایا تو رسالت
را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی
حجتت را نخواهم شناخت، پروردگارا حجت خودت را به من
بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی از دین خود
گمراه خواهم شد.

پی نوشتها

- ۱- سوره بنی اسرائیل / ۷۱.
- ۲- بحار الانوار ج ۳۲ ص ۳۳۱ روایت ۳۱۷.
- ۳- کافی ج ۱ ص ۳۷۱، النعمانی ص ۳۲۹، البرهان ج ۲ ص ۴۲۹، غایة المرام ص ۲۷۳، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۱، غیبة طوسی ص ۲۷۶ تا ۲۷۷.
- ۴- کافی ج ۲ ص ۱۹۸.
- ۵- کافی ج ۱، ترجمه سید جواد مصطفوی ص ۲۵۹.
- ۶- احقاق الحق، آقای مرعشی ص ۸۶.
- ۷- سوره قصص / ۵۰.
- ۸- کافی ج ۲، ترجمه سید جواد مصطفوی ص ۲۰۳.
- ۹- کافی ج ۲، ترجمه سید جواد مصطفوی ص ۲۰۶.
- ۱۰- سوره آل عمران / ۲۰۰.
- ۱۱- معجم احادیث المهدی ج ۵ ص ۱۶۶ الی ۱۶۷، نعمانی ص ۲۷، اثبات الهداه ج ۳ ص ۵۳۱، غایة المرام ۴۰۸، بحار الانوار ج ۲۴ ص ۲۱۹، منتخب الاثر ص ۵۱۵.
- ۱۲- مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی ج ۲ ص ۲۵۶.
- ۱۳- اصول کافی، محمّد بن یعقوب کلینی ج ۱ ص ۳۳۷ ح ۵.

« جایگاه منکران، فضیلت مؤمنان »

شناخت و اعتقاد به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چنانکه اگر کسی نماز و حج و دیگر عبادات را انجام دهد ولی به ولایت ائمه علیهم‌السلام اعتقاد نداشته باشد، هیچ یک از عبادات او قبول نیست و همین اگر انسان به ولایت اهل بیت اعتقاد داشته باشد ولی امام زمان خویش را نشناسد و یا او را انکار کند، از هیچ یک از معتقدات خود، حتی از ولایت ائمه قبل نیز بهره‌مند نخواهد شد.

حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند:

«هر کس خروج حضرت مهدی را انکار کند او کافر شده و به آنچه بر حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده نیز کافر گشته است.»^(۱)

حضرت جواد علیه‌السلام می‌فرمایند:

«امام پس از من فرزندی علی می‌باشد. امر او امر من و گفتار او گفتار من و اطاعت او اطاعت من است. سپس سکوت فرمودند.»

سائل می‌پرسد: ای فرزند رسول خدا امام بعد از علی کیست؟

ایشان فرمودند: فرزندش حسن. گفتم: ای فرزند رسول خدا پس کیست امام بعد از حسن؟

پس به شدت گریست و سپس فرمود: همانا پس از حسن فرزندش قائم به حق منتظر است.

سائل می‌پرسد: برای چه او را قائم نامیده‌اند؟

حضرت می‌فرمایند: چون او قیام می‌کند پس از فراموش شدن.

سائل می‌پرسد: برای چه او را منتظر نامیده‌اند؟

حضرت می‌فرمایند: همانا برای او غیبتی است که روزهایش طول می‌کشد و دوره‌اش طولانی می‌شود. پس مخلصان ظهور او را انتظار می‌کشند و شکاکان او را منکر شده و مسخره می‌کنند و عده‌ای برای ظهور او وقت تعیین می‌کنند که آنها دروغگو بوده و هلاک می‌شوند. در آن غیبت منکران هلاک می‌شوند و تسلیم شوندگان نجات می‌یابند.^(۲)

در حدیثی طولانی در وصیت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت علی عَلِيٍّ آمده است که؛ ایشان می‌فرمایند:

ای علی بدان که همانا شگفت‌ترین مردم از جهت ایمان و بزرگترین ایشان از جهت یقین گروهی‌اند که در آخر الزمان حجت خدا را که در غیبت و حجاب است؛ به او ایمان دارند و ایمان آورده‌اند به سیاهی بر سفیدی. آنها اولیاء خدا هستند و غمگین نمی‌شوند و ترس بر آنها نیست و این است فضل کسانی که در زمان غیبت ایمان آورده‌اند.^(۳)

امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند:

«گویا با چشم خود می بینم که بعد از من در مورد جانشین من به اختلاف افتاده‌اید. آگاه باشید که هر کس به همه امامان بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعتراف کند ولی پسر من را انکار نماید، همانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف نموده، رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را انکار نماید، زیرا که اطاعت آخر ما، اطاعت اول ما و انکار آخر ما، انکار اول ماست.»^(۴)

گفتیم که ایمان به امامت حضرت ولی عصر علیه السلام شرط قبولی دیگر اعمال شایسته است چنانکه در حدیثی از امام صادق علیه السلام رسیده است:

«اسلام روی پنج پایه استوار شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. و هرگز به چیزی امر نشده، آن چنانکه به ولایت امر شده است.»^(۵)

امام صادق علیه السلام سپس اضافه می‌کنند:

«ولی مردم چهار پایه‌اش را پذیرفتند و ولایت را ترک کردند. بخدا قسم اگر کسی همه شبها را با نماز و عبادت بگذراند و همه روزها را روزه بگیرد و بدون ولایت از دنیا برود، نماز و روزه‌ای از او پذیرفته نمی‌شود.»^(۶)

رسول اکرم در خطابی به امیرمؤمنان علیه السلام چنین فرمودند:

«یا علی! توصیه‌های مرا در حق تو رعایت نمی‌کنند به جز مؤمنان پرهیزگار، پاک و پاکیزه، بندگان برگزیده و پاک سرشت. و تعداد آنها در میان امت من، به سان یک تار موی سفید در بدن گاو سیاه در دل شب یلدا می‌باشد.»^(۷)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هنگام تأمل در وضع شیعیان آخر الزمان دستها را به سوی آسمان برافراشت و گفت:

«خداوندا! برادرانم را به من بنمایان. یکی از اصحاب گفت: مگر ما برادران شما نیستیم؟ ای رسول گرامی خدا! فرمود: نه، شما یاران من هستید. برادران من کسانی هستند که در آخر الزمان می آیند، و به من ندیده ایمان می آورند. خداوند آنها را پیش از آن که از صلب پدران به رحم مادران در آیند، با نام خود و پدرانشان به من معرفی نموده است که استقامت هر یک از آنها در دین خود، از گندن خار در شب تاریک، و بدست گرفتن آتش گداخته سخت تر است. آنها مشعلهای هدایت هستند که خداوند آنها را از فتنه های تیره و تاریک نجات می بخشد.»^(۸)

رسول اکرم مؤمنین منتظر و یاران حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام را برادران خود می خواند و علت آن را پایداری و استقامت بر اعتقادات و حقیقت در عصر غیبت می داند و کسی بر امامت او استوار می ماند که یقینش بسیار قوی و شناختش بسیار مستقیم باشد. و خداوند چنین افرادی را مشمول رحمت خود می گرداند. خوشا به حال شیعیانی که در زمان غیبت، انتظار ظهور او را می کشند و در زمان ظهور از او فرمان می برند. آنها کسانی هستند که هیچ گونه ترس و اندوه بر آنها نیست و آنها اولیاء خداوند می باشند. فضل و برتری شخصی که انتظار ظهور را می کشد و مؤمن به حضرت است به حدی است که هنگامی که از دنیا برود و حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) بعد از او ظهور کند، او پاداش کسی را می برد که دوران ظهور را درک کرده است، پس بیایید تلاش کنیم تا جزء گروه مؤمنان باشیم تا رحمت حق ما را نیز فراگیرد.

امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

«خوشا به حال شیعیان ما، که در دوران غیبت قائم ما به دوستی ما چنگ می‌زنند و در ولایت ما ثابت و استوار می‌مانند و از دشمنان ما برائت و بیزاری ابراز می‌کنند. آنان از ما هستند و ما نیز از آنها هستیم. آنها ما را به امامت پذیرفته‌اند و ما آنها را بعنوان شیعه پسندیده‌ایم. خوشا به حال آنها، خوشا به حال آنها. به خدا سوگند که آنها در روز قیامت با ما و در ردیف ما هستند.»^(۹)

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«شما هرگز مؤمن نمی‌شوید مگر این‌که امین باشید، و نعمت و رفاه را هم نوعی مصیبت بشمارید، زیرا شکیبایی در برابر بلاها و گرفتاریها برتر از عافیت به هنگام آسایش است.»^(۱۰)

پی نوشتها

- ۱- منتخب الاثر ص ۶۲۵
- ۲- کفایة الاثر ص ۲۸۳ .
- ۳- منتخب الاثر ص ۶۴۸
- ۴- منتخب الاثر ص ۲۲۶ ، بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۶۰ .
- ۵- وسائل الشیعه ج ۱ ص ۱۰ ح ۱۰ .
- ۶- همین مدرک .
- ۷- عیون الاخبار ج ۲ ص ۱۴۳ .
- ۸- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۴ ، منتخب الاثر ص ۵۱۵ .
- ۹- بحارالانوار ج ۵ ص ۱۵۱ ، منتخب الاثر ص ۲۱۹ .
- ۱۰- وسائل الشیعه ج ۲ ص ۹۰۸ ح ۲۳ .

« وجوب اطاعت از آن محبوب دلها »

در فصول گذشته گفتیم؛ ذات مقدس حضرت بقیة الله عليه السلام واسطه فیض بین خداوند و سایر مخلوقات است و وجود قدسی ایشان رحمت برای عالمیان است و فیض بخش به جمیع ما سوی الله می باشد. حضرت مهدی عليه السلام رحمة للعالمین است و برای همه جهان ها و اهل عالم رحمت است و هر فیضی که از خالق یکتا به هر ذره ای در این عالم می رسد به یمن آن حضرت و بواسطه آن نور مقدس است. همان عالمی که خداوند «رب» آن است و بعثت و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و وجود مقدس ایشان «رحمت»^(۱) برای آن است، حضرت حجت عليه السلام نیز «رحمت» برای آن بوده و واسطه فیوضات و الطاف پروردگار به تمام جهان ها می باشد. در قسمتی از دعای عدیله می خوانیم:

«... ثُمَّ الْحِجَّةُ الْخَلْفُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ الْمُرْجِيُّ الَّذِي
بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ
الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ وَ بِهِ يَمْلَأُ اللهُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدلاً بَعْدَ مَا
مُلِئَتْ ظُلماً وَ جَوْرًا.»

گواهی می دهیم که آخرین امام و جانشین پیامبر حضرت «حجت»، «خلف»، «قائم»، «منتظر» و «مرجی» است که به بقای او جهان باقی و پایدار ماند و به برکت آن حضرت به مردم

روزی رسد و بخاطر وجود آن بزرگوار، زمین و آسمان،
 استوار باشند و بوسیله او، خداوند سبحان زمین را سرشار از
 قسط و عدل نماید پس از آن که پر از ستم و جور شده باشد.
 اکنون که ما رعیت آن امام بزرگوار هستیم و در کشور سلطنت و ولایت او
 زندگی می‌کنیم، و به اعتبار او تکیه می‌کنیم و بخاطر وجود او زنده‌ایم و از مواهب
 زندگی بهره می‌بریم، آیا شایسته نیست که قدر دان این نعمتها باشیم و از
 امامان و پیشوا و مولایمان اطاعت کنیم؟! یکی از راههای قدرانی از آن وجود
 مسعود، اطاعت از ایشان است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ماییم که خدا اطاعت ما را واجب ساخته، مردم راهی جز
 معرفت ما ندارند و بر نشناختن ما معذور نباشند، هر که ما را
 شناسد مؤمن است و هر که ما را انکار کند کافر است و کسی
 که نشناسد و انکار هم نکند گمراه است، تا زمانی که به سوی
 هدایتی که خدا بر او واجب ساخته و آن اطاعت حتمی
 ماست برگردد و اگر به همان حال گمراهی بمیرد، خدا هر چه
 خواهد با او کند.»^(۲)

مقصود از کسانی که ائمه را نشناخته و انکار هم نکرده‌اند کسانی هستند که
 عقل و فهم و درک مقام امامت را ندارند و در قرآن از آنها به مستضعفین تعبیر
 شده است و هم چنین کسانی که از محیط تعلیمات مذهبی دور افتاده و مقام
 امام چنان که شایسته است به ایشان معرفی نگشته که در مورد این افراد امید
 عفو و بخشش هست.

منصور بن حازم گوید؛ به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

همانا خداوند بزرگوارتر و گرامی تر است از این که بوسیله مخلوقش شناخته شود بلکه مخلوق بوسیله خدا شناخته شود. حضرت فرمودند:

درست گفتمی. عرض کردم: هر کس بداند پروردگاری دارد سزاوار است که بداند برای او خرسندی و خشمی است و خرسندی و خشم او جز بوسیله وحی یا پیغمبران فهمیده نشود و کسی که وحی بر خودش نازل نمی شود باید که در طلب پیغمبران باشد و چون ایشان را ملاقات کرد، بداند که ایشانند حجت خدا که اطاعتشان لازم است.

به مردم گفتم: مگر نمی دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حجت خدا بر خلقش بود؟
گفتند: چرا.

گفتم: چون او در گذشت، حجت خدا کیست؟
گفتند: قرآن.

من در قرآن نظر کردم و دیدم سنی و قدری و زندیقی که به آن ایمان ندارند به آن استشهاد می کنند تا بر مردان طرف مقابل خود غلبه کنند پس فهمیدم که قرآن بدون قیم حجت نباشد و آن قیم هر چه نسبت به قرآن بگوید حق است. به آنها گفتم:

قیم قرآن کیست؟

گفتند: ابن مسعود قرآن می دانست، عمر قرآن می دانست، حذیفه می دانست.

گفتم: همه قرآن را؟

گفتند: نه.

کسی را ندیدم که بگوید شخصی جز حضرت علی علیه السلام همه قرآن را می‌دانست و زمانی که مطلبی میان مردمی باشد که گویند: نمی‌دانیم؛ حضرت علی علیه السلام گوید: من می‌دانم. پس من گواهی دهم که حضرت علی علیه السلام قیم قرآن است و اطاعتش واجب است و بعد از پیغمبر حجّت خداست بر مردم و آنچه او درباره قرآن گوید حق است. حضرت فرمود:

خدا تو را رحمت کند. عرض کردم:

علی علیه السلام از دنیا نرفت جز آن که پس از خود حجّتی گذاشت چنانکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از خود حجّت گذاشت. و حجّت بعد از علی، حسن بن علی علیه السلام است و نسبت به امام حسن علیه السلام گواهی دهم که از دنیا نرفت تا آن که پس از خود حجّتی گذاشت چنان که پدر و جدّش گذاشتند و او امام حسین علیه السلام است و اطاعتش واجب است تا آخرین آن حجّت‌ها که حضرت مهدی علیه السلام است که اطاعت ایشان نیز واجب است. (۳)

بنابراین بر ما واجب است که امام عصر علیه السلام را بشناسیم، تسلیم او باشیم و امور زندگیمان را به ایشان ارجاع دهیم و از ایشان اطاعت نماییم. خداوند یکی خانه خود را قرار داده و گفته شائقانه گرد آن طواف کنید و یکی هم خانه دل است که باید آن را خالی نگهداشت تا صاحبخانه آن را با بهترین تزئینات تزئین نماید. ولی ما آن را بتخانه کرده‌ایم. اگر دل، خانه خدا باشد و با تزئینات خدایی پر شود، دست و چشم و گوش و ... همه را بدنبال خود خواهد کشید.

ما از یاد امام زمانمان از یاد ناموس دهر، مدار عصر و قطب عالم امکان غافل می‌شویم و اطاعت او را نمی‌کنیم. اما آیا آن وجود مسعود لحظه‌ای از ما غافل می‌شوند؟! خیر.

پیام امام زمان علیه السلام برای ما چیست؟ ایشان می‌فرمایند:

إِنَّا غَيْرُ مَهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ. (۴)

همانا در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم.

در طول هفته دوبار کارنامه ما به حضرت داده می‌شود.^(۵) و حضرت به پهنای صورت اشک می‌ریزند. ایشان ناراحت و اندوهگین نمی‌شوند مگر در غم و اندوه شیعیان. ایشان از احوال ما با خبرند. ظاهر و باطن ما بر ایشان روشن است. حضرت در قسمتی از نامه ایشان به یاور راستین و دوست با اخلاص و فداکارشان مرحوم شیخ مفید، قدس سره، می‌فرمایند:

«اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان بخشید با دل‌هایی متحد و یکپارچه، به پیمانی که با ما دارند وفا می‌کردند، هرگز میمنت و فیض ملاقات ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و بزودی سعادت دیدار ما با معرفتی کامل و شناختی راستین، نصیبشان می‌گردید. پس ما را از شیعیان، پنهان نساخته مگر آن دسته از کردارشان که بر ما خوشایند نیست و از ایشان، توقع نداریم. خداوند مددکار و یاور ماست و او برای ما کفایت‌کننده و نیکو وکیل است درودهای خدا بر سرور ما، نوید دهنده و ترساننده، محمد و خاندان پاکش باد».^(۶)

پی‌نوشتها

- ۱- «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین» سورة انبیاء / ۱۰۷ .
- ۲- اصول کافی ج ۱ اسحاق کلینی رازی ص ۲۶۶ .
- ۳- اصول کافی ج ۱، اسحاق کلینی رازی ص ۲۶۷ .
- ۴- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۷۵ .
- ۵- بحارالانوار ج ۲۲ صص ۳۳۳ تا ۳۵۳ .
- ۶- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۷۷ و الزام الناصب ص ۱۳۶ احتجاج ج ۲ ص ۳۲۵ .

« راز نیایش منتظران »

از مصادیق اطاعت ما از حضرت صاحب الزمان علیه السلام دعا برای حضرت می باشد. این دعا از موجبات شادی و سرور خداوند است زیرا وقتی بنده ای در حق امام خود دعا کند امام خویش را شاد ساخته است و شادی و خرسندی امام نیز سبب شادی و خرسندی خدا و رسول او می باشد و دعا در عصر غیبت بهتر از زمان ظهور امام است. روایتی است به نقل از اصول کافی از عمّار سابطی آمده که گفت:

به حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام عرضه داشتم:

عبادت پنهانی با امام پنهان شده شما در دولت باطل، بهتر است یا عبادت در دوران ظهور حق و دولت آن امام آشکار از شما؟ فرمودند: ای عمّار به خدا که صدقه در سر از صدقه آشکارا بهتر است، همین طور به خدا قسم عبادت شما در پنهانی با امام پنهانان در زمان دولت باطل و با ترس از دشمنان و یا صلح با او بهتر است از کسی که خدای تعالی را در زمان ظهور حق با امام بر حق ظاهر در دولت حق عبادت نماید. و عبادت توأم با ترس در دولت باطل هم چون عبادت و امنیت در دولت حق نیست. و بدانید که هر کس از شما در این زمان نماز واجب خود را در وقتش به جماعت و بطور کامل به جای آورد و از دشمنش کتمان نماید، خداوند ثواب پنجاه نماز واجب به جماعت گزارده شده را برای او بنویسد. و هر کس از شما که در این زمان نماز واجبش را فرادی و در وقت خود و بطور کامل و درست ادا

نماید خداوند ﷻ ثواب بیست و پنج نماز واجب فرادی برای وی بنویسد و هر کدام از شما که یک نماز نافله را در وقتش به طور کامل به جای آورد، خداوند برایش ثواب ده نماز نافله بنویسد و هر کس از شما کار نیکی انجام دهد خداوند بجای آن برایش بیست حسنه بنویسد و حسنات مؤمن از شما را خداوند چند برابر خواهد ساخت به شرط این که حسن عمل داشته باشد و نسبت به دین و امام و جان خود تقیه بکار بندد و زبانش را حفظ کند، همانا خداوند کریم است.

عرضه داشتم: فدایت شوم به خدا قسم مرا بر این عمل تشویق فرمودی و برانگیختی ولی دوست دارم بدانم چگونه است که ما اعمالمان از اعمال اصحاب امامی که ظاهر باشد در دولت حق بهتر است و حال آن که همه یک دین داریم؟ فرمود: شما در گرویدن به دین خدای ﷻ و به نماز و روزه و حج، و به هر کار نیک و دانشی، و به عبادت خدا - پنهانی از ترس دشمنان - از آنان پیشی گرفته‌اید، با امام پنهان شده خود و مطیع او هستید و مانند او صبر می‌کنید و به انتظار دولت حق بسر می‌برید، در حالی که بر امامتان و بر جانتان از زمامداران ستمگر می‌ترسید. حق امامتان و حقوق خودتان را در دست ستمگران می‌بینید که از دست شما گرفته و به کشت در دنیا و کسب معاش و ادارتان کرده‌اند، با وجود صبر شما نسبت به دین و عبادتتان و اطاعت امامتان و ترس با دشمنانتان، پس برای این جهات است که خداوند ﷻ ثواب اعمالتان را چند برابر قرار داده است که گوارایتان باد.

عرض کردم: قربانت کردم، بنابراین آرزو نکنیم که از اصحاب قائم باشیم و حق آشکار گردد، با این حال که ما امروز در زمان امامت و با اطاعت شما ثواب اعمالمان بهتر از اصحاب حق و عمل به آن می‌باشد؟ فرمود: سبحان الله، آیا

دوست نمی‌دارید که خداوند تبارک و تعالی حق و عدل را در بلاد ظاهر کند، و خداوند وحدت کلمه پدید آورد و خداوند بین دل‌های مختلف و پراکنده الفت دهد و خدای عز و جل در زمینش معصیت نشود و حدودش در خلقش اجرا گردد و خداوند حق را به اهلش بازگرداند؟ پس حق آشکار شود تا هیچ قسمتی از حق از ترس احدی از خلق مخفی نماند، به خدا قسم ای عمار هیچ کس از شما در این حال که شما دارید نمیرد مگر این که نزد خداوند از بسیاری از شهدای بدر و احد بهتر باشد پس شما را مژده باد. (۱)

بنابراین از قسمتی از این حدیث نتیجه می‌شود که دعا از بهترین و مهمترین عبادتهاست به خصوص دعا در حق حضرت حجت علیه السلام و دعای در پنهانی. در کافی نقل شده است که:

«نزدیک‌ترین دعایی که زود به اجابت برسد دعای برادر دینی برای برادر خویش در غیاب اوست، این که با دعا برای برادرش آغاز کند، پس فرشته‌ای که موکل بر اوست بگوید: آمین و برای تو، دو چندان آن باشد.» (۲)

بنابراین یکی از مصادیق اطاعت ما از حضرت حجت علیه السلام دعا برای آن حضرت است که خداوند دو برابر آنچه خواسته‌ایم به ما نیز عنایت می‌فرماید. دعا برای آن امام رئوفی که لحظه‌ای از یاد ما غافل نیست و با وجود تمام قصور و کوتاهی ما نسبت به آن حضرت، پیغام حضرت برای ما این چنین است:

«ما از حال و اخبار شما کاملاً آگاهیم و چیزی از آن بر ما پوشیده نمی‌ماند. ما از لغزش‌هایی که از بعضی شیعیان سر می‌زند آگاهیم از وقتی که بسیاری از آنها تمایل به بعضی

کارهای ناشایسته‌ای پیدا کرده‌اند که نیاکان گذشته از آنها دوری می‌نمودند اطلاع داریم. ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم. تقوای خدا را پیشه کنید و ما را یاری دهید تا از فتنه‌ای که به شما روی آورده شما را نجات بخشیم»^(۳).

از آثاری که دعا در حق حضرت حجت دارد؛ علاوه بر این که سبب شادی و خرسندی حضرت می‌شود سبب زیاد شدن روزی و دفع بلا می‌گردد. همچنین سبب رستگاری و آمرزش گناهان می‌گردد. دعا کردن برای فرج مولایمان، وفا نمودن به عهد و پیمان الهی است که از اهل ایمان گرفته شده که خداوند می‌فرماید:

أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ^(۴).

به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا نمایم.

و آیا وفای به عهد ایشان جز یقین قلبی به امامت و ولایت و تسلیم ایشان بودن و موذت قلبی ایشان و بغض دشمنان آنها و اطاعت و پیروی از آنان در تمام اوامر و نواهی است؟

و آیا دعای در حق حضرت کار و وظیفه مشکلی است که ما در انجام آن کوتاهی می‌کنیم؟!

پی نوشتها

۱- اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۳.

۲- اصول کافی ج ۲ ص ۵۰۷.

۳- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۵.

۴- سوره بقره / ۴۰.

« پاره‌ای از حقوق آن عزیز به شیعیان »

حقوقی که آن بزرگوار بر ما دارد بسیار فراوان و لطف و رحمتش بر ما از حدّ شماره افزون است. این حقوق بطور مفصل در کتاب مکیال المکارم نقل شده که ما عناوین آن را بطور خلاصه می‌آوریم:

یکم: حق وجود و هستی

از حقوق آن حضرت بر ما حق وجود و هستی است که در فصول گذشته گفتیم. خداوند به برکت وجود آن حضرت ما را خلق کرده است و اگر ایشان نبودند نه زمین را خلق می‌کرد و نه آسمان و فلک و هر آنچه که در آنها می‌باشد. امام زمان و پدران بزرگوارشان واسطهٔ رساندن فیض از خالق به مخلوقات می‌باشند.

دوم: حق بقاء در دنیا

روایات در این زمینه بسیار است که در فصل دوم به گوشه‌ایی از آنها اشاره شد.

سوم: حق قرابت و خویشاوندی پیغمبر ﷺ

خداوند ﷻ می‌فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ. (۱)

بگو که من از شما بر تبلیغ رسالت توقع مزدی ندارم جز
این که در مورد خویشاوندانم مودت ورزید.

منظور از قُربی در این آیه، امامان معصوم علیهم السلام هستند. (۲)

چهارم: حق منعم بر متنعم و حق واسطه نعمت

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که:

«هر کس نسبت به شما کار نیکی انجام داد به او پاداش دهید،
اگر نمی‌توانستید برای او دعا کنید تا اطمینان یابید که کار
نیک آن شخص را جبران کرده‌اید.» (۳)

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند:

اگر ما نبودیم نه نهرها جاری می‌شد و نه میوه‌ها می‌رسید و
نه درختها سبز می‌گشت. (۴)

این دو حق یعنی حق منعم بر متنعم و حق واسطه نعمت برای مولایمان
هست زیرا که تمام بهره‌ها و استفاده‌هایی که به مردم می‌رسد به برکت وجود
ایشان است.

پنجم: حق پدر بر فرزند

شیعیان از باقیمانده گِل خاندان وحی آفریده شده‌اند همانطور که فرزند از
پدر بوجود می‌آید. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

امام همدم و رفیق و پدر مهربان است. (۵)

و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که فرمودند:

من و علی دو پدر این امت هستیم. (۶)

از حضرت صادق علیه السلام درباره آیه زیر سؤال شده است:

أصلها ثابتٌ و فرعها في السماء. (۷)

حضرت می فرمایند:

«اصل آن درخت پیگیزه رسول الله و شاخه آن امیرالمؤمنین و حسن و حسین میوه آن هستند و نه تن از فرزندان حسین شاخه های کوچکتر آنند و شیعه برگهای آن درخت می باشند. به خدا که وقتی یکی از آنها (شیعیان) می میرد یکی از برگهای آن درخت می افتد.» (۸)

ششم: حق مولا و حجت الهی بر پیروان

خداوند متعال می فرماید:

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ... (۹)

پیغمبر اولی و سزاوارتر به مؤمنان است از خود آنها.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«من به مؤمنین از خودشان به خودشان سزاوارترم. سپس تو ای علی از مؤمنین به خودشان سزاوارتری سپس بعد از تو حسن سزاوارتر است به مؤمنین از خودشان و پس از او حسین به مؤمنین از خودشان اولی است و همین طور تا می رسد به حضرت حجت علیه السلام که به مؤمنین سزاوارتر است از خودشان، آنها با حق و حق با آنهاست.» (۱۰)

هفتم: حق عالم بر متعلم

امام باقر علیه السلام راجع به قول خدای تبارک و تعالی که می فرماید:

فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. (۱۱)

اگر خودتان نمی دانید از اهل ذکر بپرسید.

حضرت از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«مقصود از ذکر من هستم و امامان اهل ذکر می باشند.» (۱۲)

امام رضا علیه السلام از علی بن الحسین علیه السلام نقل می فرمایند:

بر امامان چیزی واجب است که بر شیعیان واجب نیست و بر شیعیان ماست چیزی که بر ما نیست. خداوند تبارک و تعالی ایشان را امر فرموده که از ما بپرسند. زیرا فرموده است: «اگر نمی دانید از اهل ذکر بپرسید» به ایشان فرمان داده که از ما بپرسند، ولی پاسخ بر ما لازم نیست. اگر بخواهیم پاسخ دهیم و اگر بخواهیم باز ایستیم. (۱۳)

ابوبصیر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که این آیه را قرائت می فرمود:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ. (۱۴)

بلکه قرآن آیه هایی است روشن در سینه کسانی که به آنها علم داده اند.

و با دست اشاره به سینه خود فرمود. (۱۵)

هشتم: حق امام بر رعیت

در کافی نقل شده است که؛ از امام باقر علیه السلام از حق امام بر مردم سؤال شد.

ایشان فرمودند: حق او بر آنها این است که آنچه می گوید بشنوند و او را اطاعت کنند. (۱۶)

عبد الاعلی بن اعین گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود:

اسحلة پیغمبر ﷺ نزد من است و کسی نسبت به آن با من نمی‌تواند نزاع کند. همانا سلاح از آسیب محفوظ است. اگر بدست بدترین خلق خدا بیفتد بعترین ایشان شود. سپس فرمود: امر امامت در آخر به کسی می‌رسد که سرها بسوی او خم گردد (همه مطیع او شوند) و چون خواست خدا درباره او صورت گیرد بیرون شود؛ مردم گویند: این چه واقعه‌ای است؟ خدا از برکت آن حضرت بر سر رعیتش دست رحمت زند. (۱۷)

پی‌نوشتها

- ۱- سورة شوری / ۲۳ .
- ۲- تفسیر برهان؛ سید هاشم بحرانی؛ ج ۴ / ۱۲۱ .
- ۳- مکیال المکارم ج ۱ ص ۶۱ .
- ۴- مکیال المکارم ج ۱ ص ۶۱ بنقل از: الخرائج، سعید بن هبة الله راوندی .
- ۵- اصول کافی ج ۱ ص ۲۰۰ .
- ۶- مکیال المکارم ج ۱ ص ۶۲ .
- ۷- سورة ابراهیم / ۲۴ .
- ۸- کمال الدین؛ شیخ صدوق؛ ج ۲ ص ۳۴۵ .
- ۹- سورة احزاب / ۶ .
- ۱۰- کفایة الاثر / ۳۱۱، اصول کافی؛ محضد بن یعقوب کلینی؛ ج ۱ / ۱۸۷ و کمال الدین؛ شیخ صدوق؛ ج ۱ / ۲۷۰ .
- ۱۱- سورة نحل / ۴۳ .
- ۱۲- تفسیر صافی، ج ۳ ص ۱۳۷ در تفسیر سوره نحل آیه ۴۳ .
- ۱۳- اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی ج ۱ ص ۳۰۳ و ۳۰۶ .
- ۱۴- سورة عنکبوت / ۴۸ .
- ۱۵- اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی ج ۱ ص ۳۰۷ و ۳۰۸ .
- ۱۶- مکیال المکارم ج ۱ ص ۶۴ .
- ۱۷- اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی ج ۱ ص ۳۳۹ .

« سیمای نورانی آفتاب بی‌همتا »

رسول اکرم ﷺ در معرفی موعود امام می‌فرمایند:

همانا علی امام امت من بعد از من است و از فرزندان او
قائم منتظر ﷺ است کسی که هر گاه ظهور نماید زمین را از
عدل و داد پر می‌کند همانگونه که از جور و ستم پر شده
است و سوگند به آن کس که مرا به حق بشارت دهنده و بیم
دهنده برانگیخت همانا ثابتان بر امامت او در زمان غیبتش
کمیاب‌ترند از کبریت احمر.^(۱)

حضرت مهدی ﷺ شبیه‌ترین مردم به پیامبر گرامی اسلام
حضرت محمد ﷺ است که از فرزندان ایشان است. اسم او اسم
حضرت محمد ﷺ و کنیه‌اش کنیه اوست و خلق و خویش، خلق و خوی
حضرت محمد ﷺ است. به سنت ایشان رفتار می‌کند و مردم را بر آئین و
شریعت پیامبر اکرم ﷺ می‌خواند. هر کس اطاعت او را نماید پیامبر را اطاعت
کرده و هر کس سرپیچی کند همانا پیامبر را سرپیچی کرده است و هر کس او را در
غیبتش انکار کند همانا رسول اکرم را انکار کرده و هر که او را تکذیب کند پیامبر را
تکذیب کرده است و هر کس او را تصدیق کند رسول اکرم را تصدیق کرده است.

خلاصه آن که حضرت در زیبایی و جمال، طاووس اهل بهشت است که هاله‌ای از نور ایشان را احاطه کرده است.^(۲)

زبان کوتاه و قلم قاصر است از این که آن چهره چون ماه تابان، آن خال درخشنده بر گونه نشسته، آن نگاه هدایت بخش و آن مظهر جمال الهی را توصیف نماید.

و بقول شاعر:

پیش رخ تو ای صنم کعبه سجود می‌کند
در طلب تو آسمان، جامه کبود می‌کند
مُسن ملایک و بشر، جلوه نداشت این قدر
عکس تو می‌زند در او مُسن نمود می‌کند
ناز، نشسته با طرب، چهره به چهره، لب به لب
گوشه چشم مست تو، گفت و شنود می‌کند
ای تو فروغ کوکبم، تیره مفواه چون شبم
دل به هوای آتشت، این همه دود می‌کند

آن عزیز مصر وجود، اقیانوسی از عظمت و وقار را با فروغ چهره تابناکش در هم آمیخته که دل را می‌رباید و قلب را می‌لرزاند و تبسم شیرینش انسان را به سوی او جذب و ابهت و جلالش، آدمی را می‌خکوب می‌سازد و مبهوت می‌گرداند. با استفاده از احادیث متواتر بر شیعه مسلم گشته است آن حضرت، همانند سیرت رسول اکرم ﷺ عمل می‌فرمایند و آنچه قبل از خودش بوده ویران می‌سازد، همانگونه که رسول خدا امر جاهلیت را ویران ساخته و از نو آغاز

نمودند. و اسلام را بصورت جدیدی خواهند آورد. هنگامی که قیام کنند به عدل داوری می کنند و جور و ستم را محو ساخته و راهها امن و امان می شود و زمین برکات خود را بیرون می آورد و هر حقی به صاحبش برگردانده می شود و اهل هیچ دینی باقی نمی ماند مگر آن که به اسلام اظهار می کند و به شیوه داوری محمد ﷺ حکم و رفتار کرده که دولت او آخرین دولتها است.

آن حضرت جایگاه رسالت و معدن دانش می باشند. ایشان با عدل وجود و سخاوت رفتار می کنند بطوری که هرگاه قیام کنند در میان آفریده های خداوند رحمان به دادگری عمل می کنند و او مهدی است چون به امر پنهان هدایت می کند و بین اهل تورات به تورات و بین اهل انجیل به انجیل و بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقان داوری می فرمایند. علم به کتاب خدا و سنت پیامبرش در قلب حضرت می روید، همان گونه که کشت بر بهترین وجه می روید. اخبار و روایات بسیاری است که بر شدت زهد و ورع حضرت مهدی ﷺ دلالت می کند که ایشان با وجود داشتن ولایت تکوینی و تشریحی از یک فرد عادی و حتی فقیرترین افراد، ساده تر و بی آرایش تر زندگی می کنند.

مرحوم علامه مجلسی، در جلد چهارم «مرآت العقول» ص ۳۶۸ به سند خود از «حماد بن عثمان» نقل کرده است که:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت عرض کرد:

أَصْلَحَكَ اللهُ، شما بیاد می آورید که علی بن ابی طالب علیه السلام لباس زبر و خشن می پوشید و پیراهن چهار درهمی به تن می کرد و مانند این مطالب، اما می بینم شما جامعه فاخر و نفیس پوشیده اید!؟

حضرت به او فرمودند:

علی بن ابی طالب علیه السلام در زمانی آن‌گونه لباس به تن می‌کرد که غیر معمول و مورد انکار مردم نبود. و اگر او در این زمان (که دوران سلطنت ظالمان و غاصبان خلافت است) آن‌گونه لباس می‌پوشید، بین مردم به بدی معروف و انگشت نما می‌شد، زیرا بهترین لباس هر زمان لباس مردم همان عصر است، جز آن‌که وقتی قائم ما اهل بیت قیام کند مانند همان جامه‌های علی علیه السلام را پوشد و به روش و سیره او رفتار نماید.

در کتاب منتخب الاثر ص ۳۷۸، از «ابو بصیر» نقل شده است که:

از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

چه شتاب می‌ورزید برای ظهور قائم صلوات الله علیه؟ بخدا قسم که نیست لباس آن حضرت مگر زبر و خشن، و نمی‌باشد غذایش، جز نان جوین خشکیده، قیام او هم غیر از شمشیر و مرگ در سایه شمشیر چیزی نیست.

اکنون باید دید و اندیشید که امام عصر چه شخصیتی است و مقام معنویش تا چه حد است که شدت تقوا و بی‌رغبتی‌اش به دنیا، به حدی است که در اوج توانمندی، زندگی ساده و بی‌آلایشی دارد.

به امید آن‌که ما نیز از خدمتگذاران بارگاه ملکوتی آن امام همام بوده و تا لحظه‌ای که جان در بدن داریم در خدمت ایشان باشیم و اگر دار فانی را وداع گفته و خدمت ایشان شرفیاب نشدیم از کسانی باشیم که از قبر برانگیخته شده و در رکابش جان فشانی نماییم.

در خاتمه

آن بزرگوار را به جان مادرش فاطمه زهرا علیها السلام قسم می‌دهیم که دست به دعا برای فرجش برداشته و ظهورش را از خدا بخواهد، تا پهلوی شکسته مادرش را مرهمی، و گونه کبودش را نوازشی، و قلب شکسته و پیکر خمیده‌اش را التیامی باشد.

پی‌نوشتها

۱- منتخب الاثر ص ۲۴۳ ، ینابیع الموده ص ۴۹۴ .

۲- المهدی طاووس اهل الجنة - منتخب الاثر ص ۱۴۷ - ینابیع الموده ج ۳ ص ۱۶۴ .